

استباه دیر در فم :

حقیقت توحید

قُلْ تَعَالَوْا... أَلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا

چیزی برای خدا شریک قرار ندهید.

زندگانی دستجمعی بشر، براساس تعاون و همکاری استوار می باشد تاریخ تمدن کنونی نتیجه تلاش های خستگی ناپذیر انسان ها است و این سخنی است که جملگی برآیند و هیچ کس درخواست تعاون و کمک را، از زندگان، مورد نکوهش قرار نداده است.

گاهی تصور می شود که درخواست کمک از زندگان بی اشکال است، ولی درخواست آن از یک فرد مرده، شرک و پرستش او می باشد.

مثلا در قرآن مجید می خوانیم که در نزاعی که میان یکی از پیروان موسی (ع) و مرد قبطی رخ داد پیرو موسی، از وی استغاثه کرد و طلب کمک نمود و موسی نیز به کمک او شتافت و او را یاری کرد، چنانکه می فرماید:

فَأَسْتَاغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ..

سوره قصص آیه ۱۵

آنکس که پیرو موسی بود (از او) بر ضد دشمن

خود استغاثه نمود و کمک طلبید.

حالا اگر فردی از موسی و امثال او، در حال ممات، درخواست حاجت کند

از دیده برخی، شرک و پرستش موسی خواهد بود از این جهت گروه وهابی، هر نوع درخواست حاجت را از پیشوایان در گذشته، شرک و عبادت آنان تلقی می‌کنند. ولی این نظریه با هیچ اصلی از اصول سازگار نیست، و میزان و ملاک شرک و توحید در اختیار ما نیست که هر طوری بخواهیم آن را تفسیرنمائیم.

زیرا درخواست حاجت از زنده همه جا آن چنان نیست که با یکتاپرستی موافق باشد و عکس آن مطلقاً شرک و پرستش اموات شمرده شود بلکه مددخواهی از زنده با اعتقاد به اصالت و استقلال او در کار، کفر و شرک خواهد بود، و در صورت اعتقاد به این که قدرت و توانائی او وابسته به قدرت و توانائی خداست و او است که به زندگان قدرت و نیرو بخشد و آنان را برانجام کارها توانا ساخته است عین توحید و پیراستگی از شرک خواهد بود.

بنابراین میزان توحید حتی در درخواست حاجت از زندگان، حیات و زنده بودن آنان نیست، بلکه میزان عدم اصالت و وابسته بودن آنان می‌باشد، در این صورت عین این ملاک در درخواست کمک از افراد مرده نیز حاکم و جاری خواهد بود یعنی اگر درخواست حاجت از مرده به این صورت انجام بگیرد که برآورنده حاجت در کار خود موثر و مستقل است در این موقع کار ما رنگ شرک به خود خواهد گرفت ولی اگر قدرت آنان را برای انجام کاری وابسته به قدرت خدا بدانیم و این که اگر کاری را صورت می‌دهند همگی به اذن و قدرت او است در این صورت گام از مرز توحید فراتر ننهادیم.

قرآن به افراد مجرم دستور می‌دهد که حضور پیامبر گرامی برسند تا هم خود آنان از خدا طلب آموزش کنند و هم پیامبر برای آنان از خدا طلب مغفرت نماید.^۱

یک چنین درخواست از پیامبر درحالی که وی در قید حیات است اگر پیراسته از شرک و با اصل یکتاپرستی مطابق باشد در حال ممات او نمی‌تواند مایه شرک و پرستش رسول خدا گردد.

فرزندان یعقوب از وی درخواست کردند که درباره آنان طلب آموزش کند او نیز درخواست آنان را پذیرفت^۲ حالا اگر فرزندان وی در حال ممات یعقوب چنین درخواستی کنند ممکن است خیال شود که این کار بی‌فایده است ولی هرگز نباید تصور شود که این کار مایه شرک و پرستش غیر خداست.

مرگ و حیات واسطه نمی‌تواند، در شرک و توحید موثر گردد، هر چند

ممکن است در مفید بودن آن موثر واقع شود و بحث ما فعلا درباره فائده توسع به ارواح مقدسه نیست، بلکه محور بحث موضوع شرک و توحید است و در باره مفید بودن آن باید در موقع دیگر بحث و گفتگو نمود.

یک پندار دیگر

گاهی تصور می‌شود که درخواست کمک در صورتی شرک و پرستش محسوب می‌گردد که انسان از فردی امور غیر عادی را درخواست کند. مقصود از امور غیر عادی این است که کاری را بدون این که سبب عادی و طبیعی در بین باشد از او، بطلبید مثلا بگویند ای پیامبر گرامی، بیمار ما را شفا بده و یا گمشده ما را بازگردان، و در حقیقت اموری را بطلبید که هرگز در قدرت و اختیار انسانی معمولی نیست و در این قسمت میان زنده و مرده فرقی نیست، درخواست حاجت خواه از زنده خواه از مرده در صورتی پرستش محسوب نمی‌شود که کار مورد درخواست سبب و وسیله عادی داشته باشد.^۳

این موضوع نیز پنداری بیش نیست، زیرا درخواست امور عادی که سبب واضح و روشنی دارد به گونه‌ای شرک، و به گونه دیگر عین توحید است، هرگاه درخواست کننده، طرف را در انجام آن کار، منهای قدرت خدا، حساب کند، در این صورت یک چنین درخواست، رنگ شرک گرفته و با پذیرش ربوبیت او، از او درخواست کار شده است بنابراین ملاک در توحید و شرک، عادی و غیر عادی بودن درخواست نیست، زیرا دیدیم که پیرامون عادی بودن مورد درخواست، در صورت اعتقاد به استقلال طرف، دچار شرک شده و از مرز توحید بیرون رفتیم.

این که صنعائی می‌گوید درخواست اموری که جز خدا کسی بر آن قادر نیست یک نوع آلودگی به شرک است، پنداری بیش نیست.

زیرا اگر فرض شود که طرف درخواست قادر بر انجام آن کار نباشد این حالت سبب می‌گردد که کار درخواست کننده لغو، و عاطل و باطل شمرده شود نه این که رنگ شرک به خود بگیرد.

اگر کسی در درون چاه قرار بگیرد هرگاه از رهگذری استمداد کند، کار او عقلانی محسوب می‌شود و اگر از کودک خردسالی که در کنار چاه بازی می‌کند

طلب نجات کند کار او لغو و بی اثر می باشد، نه این که شرک و پرستش او محسوب گردد.

توانا و ناتوان بودن طرف را نباید ملاک شرک و توحید دانست. آیات قرآن گواهی می دهند که درخواست امور غیر عادی یعنی درخواست انجام اموری بی آنکه سبب طبیعی و عادی در کار باشد از انبیاء و اولیاء اشکال ندارد.

در طول تاریخ نبوت، طالبان حقیقت از پیامبران آیه و معجزه ای می طلبیدند و آنان نیز در صورت جمع بودن شرایط به خواسته های آنان پاسخ مثبت می گفتند.^۴ و هرگز پیامبران در پاسخ درخواست کنندگان نمی گفتند درخواست اموری که اسباب عادی و طبیعی ندارد شرک و بشر پرستی است و ما چون برای مبارزه با شرک برانگیخته شده ایم، از این جهت چنین کاری را از ما درخواست نکنید. قرآن مواردی را نشان می دهد که در آنها، از پیامبران و شخصیت های بزرگ اموری درخواست شده است که از مرز امور عادی بیرون بوده و نوع بشر برانجام آنها ناتوان می باشند مثلاً سلیمان از حاضران در مجلس درخواست می کند که تخت ملکه سبارا از دورترین راه، در کمترین مدت در مجلس او حاضر کنند و در این باره دو نوع جواب می شنود، که هر دو در قرآن آمده است، آنجا که می فرماید:

اَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرِشَهَا، قَبْلَ أَنْ يَأْتُوْنِي مُسْلِمِيْنَ..

(نمل آیه ۳۸)

کدام یک از شماها می توانید تخت ملکه سبارا

پیش من بیاورید پیش از آنکه خود آنان در

حالت تسلیم پیش من بیایند.

سلیمان درخواست می کند که تخت بلقیس را، بدون یک سبب طبیعی در

مجلس او حاضر کنند نه اینکه با وسائل حمل و نقل آن روز این کار را انجام

دهند.

و لذا یکی از حاضران گفت من پیش از آنکه شما از این مجلس برخیزید،

آن را پیش شما حاضر می کنم.

دیگری گفت من پیش از آنکه، چشم برهم زنی آن را در نزد تو حاضر

می نمایم ناگهان سلیمان تخت را در برابر خود حاضر دید.

قوم بنی اسرائیل از حضرت موسی آب و باران می طلبیدند، که در فصل خشکسالی آنان را سیراب کند، آنجا که می فرماید:

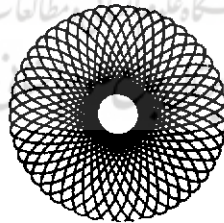
وَ اَوْحَيْنَا اِلَى مُوسَى اِذَا سْتَسْفَاهُ قَوْمُهُ اَنْ اَضْرِبَ
بِعَصَاكَ الْحَجَرَ... اعراف آیه ۱۶۰

وقتی قوم موسی از او، آب طلبید به او وحی کردیم که عصای خود را بر سنگ و صخره بزن...

از این بحث گسترده روشن می گردد که میزان توحید و شرک، خداپرستی و یکتاپرستی، موت و حیات، و عادی و غیر عادی بودن مورد درخواست نیست. فقط یک چیز می تواند به خضوع و تذلل درخواست کننده، رنگ شرک بدهد و آن این که طرف را خدا و آفریدگار جهان، و یا مبداء کارهای الهی بدانند نه این که او را مخلوق و بنده خدا تصور کند که به قدرت اعطائی و توان بخشی او می تواند به درخواست ما جامه عمل بپوشاند.



بحث ما درباره حقیقت یکتاپرستی به پایان رسید تنها بحثی که باقی می ماند همان تشریح آثار اجتماعی و اخلاقی توحید است و بخواست خدا، در شماره آینده در این باره بحث و گفتگو خواهیم نمود.



- ۱- سوره نساء آیه ۶۴
- ۲- سوره یوسف آیه ۹۷ و ۹۸
- ۳- صنعائی که یکی از نویسندگان وهابی است در این باره چنین می نویسد الکلام فی الطلب عن الاموات والاحیاء ان یشفعوا مرضاهم و یردوا غائبهم و نحو ذلك من المطالب التي لا یقدر علیها الا الله (به کشف الارتیاب صفحه ۲۷۲ مراجعه گردد).
- ۴- به سوره شعراء آیه ۱۵۴ و ۱۵۵ و اعراف آیه های ۱۰۵-۱۰۸ مراجعه فرمائید.